

پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری (علمی- پژوهشی)

سال پنجم، شماره دوم، پیاپی (۹)، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۵

صص: ۷۳-۸۶

## پیش‌بینی احساس غربت دانشجویان جدیدالورود بر اساس سبک‌های دلبستگی و امیدواری

احمد ولیخانی<sup>۱\*</sup>، محمدعلی گودرزی<sup>۲</sup>، مهران فرهادی<sup>۳</sup>

۱- دانش‌آموخته روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

valikhani@shirazu.ac.ir

۲- استاد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

mgoodarzi@rose.shirazu.ac.ir

۳- استادیار روان‌شناسی سلامت، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

mehran.farhadi@gmail.com

### چکیده

هدف مطالعه حاضر، پیش‌بینی میزان احساس غربت در دانشجویان جدیدالورود بر اساس سبک‌های دلبستگی و امیدواری بود. به این منظور ۱۷۰ دانشجوی سال اولی دانشگاه بوعلی سینای همدان به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور (۱۹۸۷)، مقیاس امیدواری حوزه‌های خاص سیمپسون (۱۹۹۹) و احساس غربت آرچر و همکاران (۱۹۹۸) روی آنان اجرا شد. تحلیل نتایج با استفاده از آزمون‌های رگرسیون سلسله مراتبی و تحلیل کوواریانس صورت گرفت. آزمون رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که متغیر پیش‌بین دلبستگی ایمن به‌طور معنادار و منفی در کاهش احساس غربت نقش داشت ( $p < 0/0001$ )؛ فرای آن، امیدواری نیز توانست به‌طور معنادار و منفی احساس غربت را پیش‌بینی کند ( $p < 0/002$ ). نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که اثر جنسیت با کنترل متغیرهای امیدواری و سبک‌های دلبستگی بر روی احساس غربت معنادار بود؛ به‌طوری‌که دانشجویان دختر میزان احساس غربت بیشتری را نسبت به دانشجویان پسر تجربه می‌کردند ( $p < 0/004$ ). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که سبک دلبستگی ایمن، امیدواری و جنسیت (مرد) از عوامل مؤثر در کاهش احساس غربت در دانشجویان جدیدالورود هستند. واژه‌های کلیدی: احساس غربت، سبک‌های دلبستگی، امیدواری، دانشجویان.

## مقدمه

گذر به زندگی دانشجویی غالباً به عنوان یک رویداد مثبت قلمداد می‌شود. با این حال، این تغییر در صورت دور شدن از منابع حمایت اجتماعی (خانواده، دوستان و آشنایان)، می‌تواند برای دانشجویان فشارزا باشد. این فشار روانی معمولاً موجب احساس غربت<sup>۱</sup> و بازگشت مکرر به خانه می‌شود. در حالی که، احساس غربت اولیه به وضوح برای بیشتر دانشجویان جدید ورود متداول است، اگر چنین احساسی دوام پیدا کند می‌تواند مشکل‌ساز شود (یورانی و همکاران،<sup>۲</sup> ۲۰۰۳). برخی از دانشجویان پس از ورود به دانشگاه نمی‌توانند با محیط آن سازگار شوند و معمولاً مشکلاتی، نظیر: اضطراب، افسردگی و احساس غربت را تجربه می‌کنند (راجرز و تینسون،<sup>۳</sup> ۲۰۰۹). مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که در بدو ورود به دانشگاه فشار روانی به دلایلی مانند از دست دادن منابع حمایت اجتماعی و مشکلات سازگاری با محیط اجتماعی - فرهنگی ناآشنا در اوج خود است (براون و هالووی،<sup>۴</sup> ۲۰۰۸). با توجه به وجوه کلی تحقیقات صورت گرفته احتمالاً می‌توان به این نتیجه رسید که احساس غربت می‌تواند عاملی بحرانی و تأثیرگذار بر انطباق و سازگاری در بین دانشجویان باشد (پلای،<sup>۵</sup> ۲۰۱۲).

احساس غربت به عنوان پریشانی یا اختلال عملکردی، ناشی از جدایی واقعی یا پیش‌بینی شده از خانه و موضوع‌های دلبستگی، از قبیل والدین،

تعریف می‌شود (تاربر و والتون،<sup>۶</sup> ۲۰۰۷). نیجهاف و اینگلس<sup>۷</sup> (۲۰۰۷)، احساس غربت را به عنوان حالت هیجانی منفی که با افکار تکراری در رابطه با خانه، از دست دادن دوستان، تمایل به بازگشت به محیط قبلی و شکایت‌های جسمانی مشخص می‌شود، تعریف می‌کنند. مهم‌ترین ویژگی‌های روان‌شناختی احساس غربت، داشتن افکار وسواسی نیرومند در مورد خانه، میل برای برگشتن به خانه، احساس اندوه عمیق در مورد تعلقات وطن (خانواده، دوستان، آشنایان، اشیاء و مکان‌ها)، و هیجان‌های همزمان غمگینی، پریشانی، رنج و سردرگمی در مکان جدید را شامل می‌شود (سلطانی شال و همکاران، ۲۰۱۱). در تحقیق زمینه‌یابی انتقال پاییزی MAP-WORKS در سال ۲۰۱۰ که بیش از ۱۳۵۰۰۰ دانشجو شرکت کرده بودند، دو نوع احساس غربت شناسایی شد: جدایی<sup>۸</sup> و پریشانی<sup>۹</sup>. جدایی فرایندی رشدی است که با مستقل شدن شخص از خانواده و دوستان مرتبط است و پریشانی احساس پشیمانی برای ترک خانه و تمایل قوی برای بازگشت به خانه است.

جدایی تأثیر منفی کمی دارد، در حالی که پریشانی تأثیر منفی نیرومندی بر دانشجویان می‌گذارد (جونز و وُسلِی،<sup>۱۰</sup> ۲۰۱۲). از ویژگی‌های افراد غربت‌زده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: به‌طور نسبی درون‌گر بودن<sup>۱۱</sup>، بی‌ثباتی هیجانی<sup>۱۲</sup>، عزت نفس پایین و نفوذناپذیری در برابر تجربیات جدید. به علاوه، آن‌ها توانایی کمتری برای عمل به

<sup>6</sup> Thurber & Walton

<sup>7</sup> Nijhof & Engels

<sup>8</sup> separation distress

<sup>9</sup> distress

<sup>10</sup> Jones & Woosley

<sup>11</sup> introspection

<sup>12</sup> emotional instability

<sup>1</sup> homesickness

<sup>2</sup> Urani et al

<sup>3</sup> Rodgers & Tennison

<sup>4</sup> Brown & Holloway

<sup>5</sup> Polay

دیگر لذت می‌برند. دلبستگی اجتنابی با بدگمانی، فاصله هیجانی از دیگران، تنهایی و خصومت مرتبط است و دلبستگی دوسوگرا با تعصب شدید، حسادت، وابستگی و رابطه‌های ناپایدار مشخص می‌شود (کلین<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۶). بن و همکاران<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۵) نشان دادند که فرزندپروری حمایت‌کننده با احساس غربت کمتر، جایگاه اجتماعی مطلوب‌تر و اعتماد بین فردی بیشتر، در حالی‌که، فرزندپروری طردکننده با احساس غربت و احساس حقارت بیشتر و اعتماد بین فردی کمتر همبسته هستند.

سبک دلبستگی ایمن مهاجران به‌طور مثبتی با نگرش آن‌ها نسبت به یکپارچگی با اعضای جامعه میزبان مرتبط بود؛ در حالی‌که، سبک دلبستگی نایمن به‌طور منفی با یکپارچگی و به‌طور مثبت با جدایی از اعضای جامعه میزبان ارتباط داشت (اودنهاون و هوفسترا<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۶؛ هوفسترا و همکاران، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، سبک‌های دلبستگی و میزان تطابق فرهنگ مهاجران با کشور میزبان با سازگاری روان‌شناختی آنان رابطه دارد. در این میان، سبک‌های دلبستگی مهاجران نسبت به سازگاری اجتماعی - فرهنگی آنان سهم بیشتری را در پیش‌بینی سازگاری روان‌شناختی دارا بود (پولک و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۰). با توجه به نتیجه این تحقیقات، می‌توان گفت که افراد مهاجر با سبک دلبستگی ایمن با گرایش به یکپارچگی با اعضای جامعه میزبان و فرهنگ‌پذیری بالا، از مشکلات روان‌شناختی؛ به ویژه احساس غربت کمتری در

شیوه‌های مناسب در موقعیت‌های تحت فشار هیجانی و جلوگیری از واکنش‌های هیجانی کلامی یا حرکتی دارند و فاقد ظرفیت لازم برای انطباق با تغییر شرایط محیطی هستند (ون هک و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). از ویژگی‌های بیان شده برای افراد غربت‌زده چنین استنباط می‌شود که ویژگی‌های آنان شبیه افرادی است که دلبستگی نایمن دارند. از این‌رو، احتمال دارد که سبک‌های مختلف دلبستگی تأثیرات متفاوتی بر تجربه احساس غربت بگذارند.

در میان پیشرفت‌های روز افزونی که روان‌شناسی در طول سال‌های گذشته داشته است، این حقیقت روز به روز روشن‌تر شده است که کیفیت مراقبت پدر و مادر در اولین سال‌های زندگی طفل در سلامت روحی و روانی آینده او اهمیت حیاتی دارد (بالبی<sup>۲</sup>، ۱۳۵۹). دلبستگی<sup>۳</sup> پیوند عاطفی دیرپایی تعریف شده است که با گرایش به جست‌وجو و حفظ مجاورت با یک والد خاص؛ به ویژه موقع فشار روانی<sup>۴</sup>، مشخص می‌شود (بالبی، ۱۹۶۹). اینزورث و همکاران<sup>۵</sup> (۱۹۷۸) در آزمایشگاه خود بر طبق نظریه دلبستگی در موقعیتی به نام موقعیت ناآشنا<sup>۶</sup> که خود طراحی کرده بودند، رفتار کودکان را مشاهده و سه الگو یا سبک دلبستگی را مشخص کردند: ایمن<sup>۷</sup>، اجتنابی<sup>۸</sup> و دوسوگرا<sup>۹</sup> یا مضطرب<sup>۱۰</sup>. برخی شواهد وجود دارد که نوجوانان و بزرگسالان با دلبستگی ایمن، از هماهنگی بیشتر، رضایت بیشتر و رابطه‌های صمیمی دیرپا با افراد

<sup>1</sup> Van Heck et al

<sup>2</sup> Bowlby

<sup>3</sup> attachment

<sup>4</sup> stress

<sup>5</sup> Ainsworth et al

<sup>6</sup> strange situation

<sup>7</sup> secure

<sup>8</sup> avoidant

<sup>9</sup> ambivalent

<sup>10</sup> anxious

<sup>11</sup> Colin

<sup>12</sup> Benn et al

<sup>13</sup> Oudenhoven & Hofstra

<sup>14</sup> Polek et al

توسعه راهبردهای خاص برای رسیدن به این اهداف (تفکر گذرگاهی)<sup>۴</sup> و آغاز و حفظ انگیزش برای به کار بستن این راهبردها (تفکر عامل)<sup>۵</sup> مشخص می‌شود. مؤلفه‌های گذرگاهی و عامل هر دو ضروری هستند؛ اما هیچ یک از این دو به تنهایی برای نگهداری و پیگیری موفقیت‌آمیز اهداف کافی نیستند. افکار گذرگاهی و عامل جمع‌پذیر، مشترک و به‌طور مثبت به هم مرتبط هستند؛ اما مترادف نیستند (اشنایدر و همکاران، ۲۰۰۳).

تاربر و والتون<sup>۶</sup> (۲۰۱۲) نشان دادند که افراد مبتلا به احساس غربت، به‌طور معمول افسردگی، اضطراب، گوشه‌گیری و دشواری تمرکز بر موضوع‌های غیرمرتبط به خانه را تجربه می‌کنند و احساس غربت می‌تواند باعث تشدید اختلالات اضطرابی، کج خلقی و مشکلات جسمانی و روانی و گاهی ترک تحصیل شود. پوپدیوک<sup>۷</sup> (۲۰۰۹)، پنج متغیر تسهیل‌کننده یا منع‌کننده سازگاری با محیط دانشگاه را در دانشجویان جدیدالورود نام برده است: (۱) دریافت تشویق؛ (۲) قدردانی از دیگران؛ (۳) پذیرفته شدن؛ (۴) پیدا کردن دوست؛ (۵) داشتن تفریح با دیگران. هر کدام از این عوامل با احساسات پریشانی مرتبط بودند. در بین این عوامل، نداشتن سرگرمی و تفریح با دیگران، با احساس غربت شدید و شایع رابطه داشت. علاوه بر این، دانشجویانی که در تشکیل رابطه دچار مشکل بودند؛ تعارضات بین فردی داشتند و از طرف دیگران طرد یا نادیده گرفته می‌شدند و احساسات افسردگی، اضطراب و غربت را تجربه

مکانی ناآشنا و غریب نسبت به افرادی که از سبک‌های دلبستگی ناایمن برخوردارند، رنج می‌برند. تحقیقات دیگر نشان می‌دهد، اضطراب و افسردگی دانشجویان را می‌توان از مقدار کیفیت دلبستگی آنان پیش‌بینی کرد؛ بدین صورت که افراد دلبسته ایمن، اضطراب و افسردگی کمتری را در مقایسه با اشخاص دلبسته ناایمن تجربه می‌کنند (حدادی کوهسار و غباری بناب، ۲۰۱۱؛ موریس و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

تحقیقی که رابطه بین دلبستگی به والدین و سازگاری و عملکرد روان‌شناختی دانشجویان جدیدالورود را بررسی می‌کرد، نشان داد که دلبستگی ایمن با پیامدهای مثبت بیشتری برای مردان و زنان مرتبط است (هیستر و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹).

احساس غربت مؤلفه‌هایی نظیر: حسرت‌ها، خاطرات، افکار و هیجان‌های مربوط به گذشته را در بردارد؛ در حالی که امیدواری به عنوان توانایی درک مسیرهایی قلمداد می‌شود که به اهداف مطلوب می‌انجامد. در امیدواری، فرد با استفاده از تفکر مؤثر خود می‌تواند مسیرهایی که او را به اهداف مطلوب هدایت می‌کنند، انتخاب کند و به نحو مطلوب به کار بگیرد. (اشنایدر و لویز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). در واقع، می‌توان گفت امیدواری در تقابل با احساس غربت است. امیدواری تنها چند سالی است که با کارهای اشنایدر وارد مطالعات روان‌شناختی شده است. نظریه امید، بخشی از رشته روان‌شناسی مثبت‌نگر است (اشنایدر و لویز، ۲۰۰۲). بر طبق نظریه امید، ادراک امیدواری با توجه به استعداد فرد برای تصور روشن اهداف،

<sup>4</sup> pathway thought

<sup>5</sup> agency thought

<sup>6</sup> Thurber & Walton

<sup>7</sup> Popadiuk

<sup>1</sup> Muris et al

<sup>2</sup> Hiester et al

<sup>3</sup> Snyder & Lopez

روان‌شناختی؛ به ویژه در دانشجویانی که تازه وارد دانشگاه شده‌اند، رابطه دارد. بنابراین، لزوم شناسایی عوامل ایجاد احساس غربت و همچنین، بررسی متغیرهای مداخله‌گر بر روی آن به نظر ضروری می‌رسد. در پژوهش حاضر دو متغیر سبک‌های دلبستگی که از اوایل کودکی در فرد شکل می‌گیرند و مربوط به گذشته فرد هستند و امیدواری که تفکری مثبت و هدفمند است و به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر آینده فرد در نظر گرفته می‌شود، انتخاب و به بررسی رابطه این دو با احساس غربت در دانشجویان پرداخته شده است. از این‌رو، هدف از مطالعه حاضر، پیش‌بینی احساس غربت بر اساس متغیرهای سبک‌های دلبستگی و امیدواری است.

بنابراین، فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح زیر بودند: ۱- سبک‌های دلبستگی احساس غربت را به‌طور معنادار پیش‌بینی می‌کنند. ۲- امیدواری به‌طور معنادار و منفی احساس غربت را پیش‌بینی می‌کند. ۳- بین میانگین احساس غربت دختران و پسران با کنترل متغیرهای امیدواری و سبک‌های دلبستگی آنان تفاوت معنادار وجود دارد.

### روش پژوهش

#### آزمودنی‌ها و روش اجرا

روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی - مقطعی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری مجموع دانشجویان جدیدالورود دوره کارشناسی غیربومی دانشگاه بوعلی سینای همدان در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ تعیین گردید. نمونه مورد پژوهش از ۱۷۰ دانشجو (۱۰۷ دختر، ۶۳ پسر) تشکیل شد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد؛ بدین صورت که ابتدا تعداد

می‌کردند. افرادی که نشانه‌های احساس غربت را بروز می‌دادند، نمره‌های کمتری را در مقیاس‌های عزت نفس، هویت من<sup>۱</sup> و منبع کنترل درونی کسب می‌کردند و نشانه‌هایی مانند استفاده از مکانیزم دفاعی انکار، اشتیاق برای دیدار دوستان، خانواده و دلتنگی برای خانه و وطن‌شان بروز می‌دادند (توگنولی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳).

رابطه امیدواری نیز با متغیرهای مختلفی بررسی شده است. ولچ و هوسر<sup>۳</sup> (۲۰۱۰)، روابط معناداری را بین سبک‌های دلبستگی، امید، خودافشایی<sup>۴</sup> و رضایت از رابطه پیدا کردند. در این پژوهش، افراد با سبک دلبستگی ایمن به‌طور معناداری، امید بیشتر، خود افشایی و رضایت بیشتر از رابطه را نسبت به افراد با سبک دلبستگی ناایمن نشان دادند. همچنین، تحقیقات صورت گرفته نشان داده‌اند که امید بیشتر با سلامت روان‌شناختی، سازگاری بهتر در چندین حوزه، افسردگی کمتر و رضایت از زندگی بیشتر را در بین افراد پیش‌بینی می‌کند (گیگر و ون<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰؛ ونگ و لیم<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹؛ شیروچی و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷؛ واله و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶؛ ون<sup>۹</sup>، ۲۰۰۲). به علاوه، امیدواری بیشتر با سلامت جسمی و روان‌شناختی بهتر و موفقیت‌های ورزشی و تحصیلی مرتبط است (اشنایدر، ۲۰۰۲؛ اشنایدر و همکاران، ۲۰۰۲؛ اشنایدر، ۲۰۰۰).

مرور مطالعات قبلی نشان‌دهنده آن است که احساس غربت با بسیاری از مسائل و مشکلات

<sup>1</sup> ego identity

<sup>2</sup> Tognoli

<sup>3</sup> Welch & Houser

<sup>4</sup> self-disclosure

<sup>5</sup> Geiger & Kwon

<sup>6</sup> Wong & Lim

<sup>7</sup> Ciarrochi et al

<sup>8</sup> Valle et al

<sup>9</sup> Kwon

چهار دانشکده از مجموع دانشکده‌های دانشگاه بوعلی سینای همدان انتخاب و سپس از هر دانشکده به‌طور تصادفی ساده دو کلاس برگزیده شدند. متغیرهای پیش‌بین شامل انواع مختلف سبک‌های دلبستگی و امیدواری، متغیر ملاک شامل احساس غربت و متغیرهای تعدیل‌کننده شامل سن و جنس بود. سه مقیاس دلبستگی بزرگسالان، امیدواری و احساس غربت به صورت همزمان و به ترتیب ذکر شده در اختیار دانشجویان قرار داده شد و به آنان در رابطه با شیوه پرکردن پرسشنامه‌ها توضیحات کاملی داده شد. همچنین، وقت کافی به آنان داده شد تا بتوانند در نهایت آرامش و دقت به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند.

#### ابزارهای پژوهش

پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان (AAI)<sup>۱</sup>: برای سنجش دلبستگی دانشجویان از مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور<sup>۲</sup> (۱۹۸۷) استفاده شد. این ابزار شامل ۲۱ سؤال است که سه سبک دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) را در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم = ۱؛ کم = ۲؛ متوسط = ۳؛ زیاد = ۴؛ خیلی زیاد = ۵) می‌سنجد. در هنجاریابی این آزمون در ایران آلفای کرونباخ آزمون ۰/۶۴ و ضریب بازآزمایی اندازه‌گیری مقوله‌ای آن ۰/۷۰ و ضریب بازآزمایی ۰/۴۰ برآورد شده است (خوانین‌زاده، ۱۳۸۳). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۶۵ به دست آمد.

نتایج گزارش شده حاکی از این است که این پرسشنامه برای سنجش سبک‌های دلبستگی نسبتاً خوب عمل می‌کند.

مقیاس امیدواری حوزه‌های خاص بزرگسالان<sup>۳</sup>: مقیاس امیدواری حوزه‌های خاص سیمپسون<sup>۴</sup> (۱۹۹۹) بر پایه کارهای اشنايدر در زمینه امیدواری ساخته شده است؛ با این تفاوت که این مقیاس به‌طور اختصاصی‌تر شش حوزه زندگی (اجتماعی، تحصیلی، خانوادگی، روابط عاشقانه، اشتغال و فعالیت‌های اوقات فراغت) را می‌سنجد. از آزمودنی خواسته می‌شود اهمیت و میزان رضایت خود را در این شش حوزه زندگی روی یک مقیاس ۸ درجه‌ای (کاملاً اشتباه = ۱؛ عمدتاً اشتباه = ۲؛ تا حدی اشتباه = ۳؛ کمی اشتباه = ۴؛ کمی درست = ۵؛ تا حدی درست = ۶؛ عمدتاً درست = ۷؛ کاملاً درست = ۸) اعلام کند. نمره‌های جداگانه هر حوزه با جمع کردن نمره هشت گویه داخل هر حوزه به دست می‌آید (بین ۸ تا ۶۴ نمره) و نمره کلی مقیاس امیدواری نمره‌ای است بین ۴۸ تا ۳۸۴، که با جمع نمره‌های ۴۸ گویه به دست می‌آید. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی در نمونه ایرانی با حذف حوزه عاشقانه (به علت محدودیت‌های اجرایی) وجود پنج حوزه سیمپسون را تأیید کرد. اعتباریابی این پرسشنامه در ایران توسط احمدی طهورسلطانی، کرمی‌نیا، احدی و مرادی (۱۳۸۹) در بین ۱۰۰۰ دانشجو با دامنه سنی ۱۸ تا ۳۴ سال صورت گرفته است که در نمونه ایرانی آلفای کرونباخ کل مقیاس با حذف یکی از حوزه‌ها ۰/۹۵ و برای سایر حوزه‌ها در دامنه‌ای از ۰/۸۲ تا ۰/۹۲ به دست آمد. همچنین، ضرایب دو نیمه‌کردن (۰/۸۵)، اعتبار همگرا با مقیاس‌های سرسختی (۰/۴۰)، شادکامی (۰/۶۴)، و بهزیستی روان‌شناختی (۰/۴۷)،

<sup>۳</sup> Adult Domain-Specific Hope Scale

<sup>۴</sup> Sympson

<sup>۱</sup> Adult Attachment Inventory

<sup>۲</sup> Hazen & Shaver

۱۹/۴۲ = میانگین سنی)، ۱۰۷ (۶۲/۴٪) نفر از آنان دختر (۱/۷۷۲ = انحراف استاندارد = ۱۹/۲۵ = میانگین سنی) و ۶۳ (۳۷/۶٪) نفر پسر (۱/۷۵۰ = انحراف استاندارد = ۱۹/۷۲ = میانگین سنی) بودند.

جدول ۱. ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای

مورد پژوهش (N= ۱۷۰)

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱- امیدواری	-				
۲- دلبستگی ایمن	۰/۲۱**	-			
۳- دلبستگی اجتنابی	۰/۳۱***	۰/۱۹*	-		
۴- دلبستگی دوسوگرا	۰/۲۲**	۰/۱۱	۰/۴۴***	-	
۵- احساس غربت	۰/۲۲**	۰/۲۷***	۰/۱۶*	۰/۱۰	-

\* $P < 0.05$

\*\* $P < 0.01$

\*\*\* $P < 0.001$

نتایج تحلیل رابطه متغیرهای پژوهش با استفاده از روش آماری همبستگی پیرسون در جدول (۱) درج شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، احساس غربت با امیدواری و دلبستگی ایمن رابطه منفی و با دلبستگی اجتنابی رابطه مثبت دارد. این بدان مفهوم است که با افزایش امیدواری و دلبستگی ایمن، احساس غربت کاهش یافته است و با افزایش دلبستگی اجتنابی احساس غربت افزایش یافته است. از سوی دیگر، امیدواری با دلبستگی ایمن رابطه‌ای مثبت و با دلبستگی اجتنابی رابطه‌ای منفی دارد؛ بدین معنی که با افزایش سن و دلبستگی ایمن، امیدواری افزایش می‌یابد و با افزایش دلبستگی اجتنابی، امیدواری کاهش می‌یابد.

اعتبار واگرا با مقیاس ناامیدی بک (۰/۲۵-)، و اعتبار ملاکی با مقیاس امیدواری اشنایدر (۰/۵۵) بود. در این پژوهش، آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه ۰/۹۲ به دست آمد که نشان‌دهنده سنجش خیلی خوب امیدواری در بین دانشجویان است.

پرسشنامه احساس غربت<sup>۱</sup>: برای سنجش احساس غربت دانشجویان از پرسشنامه احساس غربت آرچر و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۳۳ گویه است که در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم = ۰؛ کم = ۱؛ متوسط = ۲؛ زیاد = ۳؛ خیلی زیاد = ۴) تنظیم شده است. همچنین، این پرسشنامه دارای گویه‌هایی است که به صورت معکوس (۴، ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۸، و ۳۳) نمره‌گذاری می‌شوند، و احساس غربت را در دو عامل دلبستگی به خانه و نارضایتی از دانشگاه می‌سنجد. اعتباریابی آزمون در ایران نشان می‌دهد که آلفای کرونباخ برای عامل دلبستگی به خانه ۰/۹۰ و برای عامل نارضایتی از دانشگاه ۰/۸۲ است که نشان‌دهنده همسانی درونی بالای پرسشنامه است. ضریب همبستگی بازآزمایی به فاصله سه هفته برای کل آزمون ۰/۸۱، برای عامل دلبستگی به خانه ۰/۸۳ و برای عامل نارضایتی از دانشگاه ۰/۷۸ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی بازآزمایی قابل قبول این آزمون است (فرهادی، ۱۳۸۳). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۵ به دست آمد.

### یافته‌های پژوهش

در این مطالعه از مجموع ۱۷۰ دانشجوی دوره کارشناسی جدیدالورود (۱/۷۷۳ = انحراف استاندارد

<sup>۱</sup> Homesickness Questionnaire

<sup>۲</sup> Archer etal

جدول ۲. نتایج آزمون رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی میزان احساس غربت با سبک‌های دلبستگی و امیدواری

مراحل	متغیرهای پیش بین	R <sup>2</sup>	ΔR <sup>2</sup>	F	t	بتا	p
گام ۱		۰/۰۷۶	۰/۰۷۶	۱۳/۸۹۰**			
گام ۲	سبک دلبستگی ایمن	۰/۱۰۴	۰/۰۲۷	۵/۱۰۲*	-۳/۷۲۷	-۰/۲۷۶	۰/۰۰۰۱
	سبک دلبستگی ایمن				-۳/۱۸۹	-۰/۲۳۹	۰/۰۰۲
	امیدواری				-۲/۲۵۹	-۰/۱۷۰	۰/۰۲۵

\*\*P < ۰/۰۰۱

\*P < ۰/۰۵

واریانس احساس غربت را تبیین نماید. در گام آخر نیز امیدواری وارد مدل شد که توانست به‌طور معناداری نزدیک به ۳ درصد از واریانس احساس غربت را به تنهایی تبیین کند. برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش از ضرایب بتا در گام آخر استفاده شد که نتایج نشان داد از بین سبک‌های دلبستگی تنها سبک دلبستگی ایمن ( $p = ۰/۰۰۲$ )،  $\beta = -۰/۲۴$ ، و امیدواری ( $\beta = -۰/۱۷$ ،  $p = ۰/۰۲۵$ ) به‌طور معنادار و منفی احساس غربت را پیش‌بینی کردند. در نتیجه فرضیه اول تا حدی و فرضیه دوم تحقیق به‌طور کامل تأیید شد (ر.ک: جدول ۲).

با توجه به نتایج جدول (۱)، برای تعیین سهم پیش‌بین متغیرهای امیدواری، سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در پیش‌بینی میزان احساس غربت از آزمون رگرسیون سلسله مراتبی به روش گام‌به‌گام استفاده شد. بدین منظور، در گام نخست سبک‌های دلبستگی وارد مدل شدند که در بین سبک‌های مختلف دلبستگی، تنها سبک ایمن در مدل باقی ماند، و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به علت نداشتن تأثیر معنادار بر روی احساس غربت از مدل حذف شدند. سبک دلبستگی ایمن توانست به تنهایی نزدیک به ۸ درصد از

جدول ۳. تحلیل کوواریانس برای مقایسه احساس غربت دانشجویان دختر و پسر با کنترل امیدواری و سبک‌های دلبستگی آنان

متغیرها	M	SD	F	مجذور اِتا	توان آماری	p
متغیر اصلی						
جنسیت	دختر	۱۷/۴۷	۸/۵۳۸	۰/۰۴۹	۰/۸۲۸	۰/۰۰۴
	پسر	۴۶/۶۰				
متغیرهای کنترل						
امیدواری	۳/۴۶۲					۰/۰۶۵
دلبستگی ایمن	۱۱/۱۲۲					۰/۰۰۱
دلبستگی دوسوگرا	۰/۷۸۷					۰/۳۷۶
دلبستگی اجتنابی	۰/۷۱۸					۰/۳۹۸

به‌طور معنادار و منفی احساس غربت را پیش‌بینی کردند. در نتیجه فرضیه اول تا حدی و فرضیه دوم تحقیق به‌طور کامل تأیید شد (ر.ک: جدول ۲).

آزمون لون نشان داد که واریانس خطای متغیر وابسته در بین گروه‌ها تفاوت معناداری ندارد ( $F(۱، ۱۶۸) = ۰/۵۱۱$ ،  $p = ۰/۴۷۶$ ). بنابراین، مفروضه انجام تحلیل آنکووا رعایت شد. نتایج تحلیل آنکووا

به منظور مقایسه میزان احساس غربت دانشجویان دختر و پسر از آزمون تحلیل کوواریانس (آنکووا) با کنترل متغیرهای امیدواری و سبک‌های دلبستگی استفاده شد. پیش از اجرای آن نتایج



و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲؛ بشارت و همکاران، ۱۳۸۵؛ قنبری و همکاران، ۱۳۸۵). بر اساس نظریه دلبستگی بالبی و اینزورث (۱۹۶۹) کودکان دارای سبک دلبستگی ایمن می‌توانند از نگرانه دلبستگی خود به عنوان یک پایگاه امن برای جستجوگری استفاده کنند؛ در حالی که افراد نایمن فاقد چنین ویژگی بوده و در موقعیت‌های ناآشنا، به خصوص در موقعیت‌های استرس‌زا دچار درماندگی می‌شوند. از این‌رو، افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، خود را با محیط راحت‌تر و سریع‌تر سازگار می‌کنند. در مقابل، افراد دارای سبک دلبستگی نایمن در محیط‌های ناآشنا و جدید، استرس فزاینده‌ای را تجربه می‌کنند که بر سازگاری‌شان با محیط تأثیر نامطلوبی می‌گذارد.

همچنین، افراد دارای سبک دلبستگی ایمن با توجه به این که هوش هیجانی بالایی دارند (قنبری و همکاران، ۱۳۸۵)، افرادی هستند که الگوهای انطباقی بیشتری در شناخت، هیجان و رفتار دارند و می‌توانند برای خود دوستان جدیدی پیدا کنند که این خود فرایند انطباقی را در آنان افزایش می‌دهد (ون تیلبرگ و همکاران، ۱۹۹۹) و به تبع با فراهم آوردن منابع حمایتی و تسهیل فرایند انطباقی از احساس غربت آنان کاسته می‌شود.

همچنین، در پژوهش حاضر امیدواری توانست به‌طور معنادار و منفی احساس غربت را پیش‌بینی کند؛ بدین معنی که با افزایش امیدواری بین افراد از میزان احساس غربت آنان کاسته می‌شود. این یافته را می‌توان به این صورت تبیین کرد که امیدواری با سلامت روانی رابطه دارد و همچنین، با افزایش آرامش و احساسات مثبت، تجارب روان‌شناختی

نشان داد که اثر جنسیت با کنترل امیدواری و سبک‌های دلبستگی معنادار است ( $p= ۰/۰۰۴$ ،  $F= ۸/۵۳۸$ )، در نتیجه، فرضیه سوم تحقیق تأیید شد. با توجه به میانگین بالای احساس غربت در بین دختران ( $M= ۵۲/۷۲$ ،  $SD= ۱۷/۴۷$ ) نسبت به پسران ( $M= ۴۶/۶۰$ ،  $SD= ۱۷/۳۱$ ) می‌توان نتیجه گرفت که احساس غربت در دختران به‌طور معناداری بالاتر از پسران است.

شایان ذکر است که از بین متغیرهای کمکی تنها اثر سبک دلبستگی ایمن به‌طور معنادار بر روی احساس غربت تأثیر داشت ( $F= ۱۱/۱۲۲$ ،  $p= ۰/۰۰۱$ )، و اثر امیدواری در سطح حاشیه‌ای معنادار بود ( $F= ۳/۴۶۲$ ،  $p= ۰/۰۶۵$ ).

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی احساس غربت دانشجویان جدیدالورود به وسیله سبک‌های دلبستگی و امیدواری بود. نتایج به دست آمده نشان داد که سبک دلبستگی ایمن و امیدواری به‌طور معنادار و منفی احساس غربت را پیش‌بینی کردند.

بعلاوه، اثر جنسیت بر روی میزان احساس غربت با کنترل امیدواری و سبک‌های دلبستگی معنادار بود؛ به‌طوری که دختران نسبت به پسران احساس غربت بیشتری را تجربه می‌کردند.

سبک دلبستگی ایمن بر احساس غربت دانشجویان جدیدالورود تأثیر منفی معنادار داشت؛ بدین صورت که با افزایش میزان دلبستگی ایمن دانشجویان از احساس غربت آنان کاسته می‌شد.

این یافته با نتایج شماری از تحقیقات گذشته همسوست (سلطانی‌شال و همکاران، ۲۰۱۱؛ استروب

<sup>1</sup> Stroebe et al

احساس غربت بیشتری را تجربه می‌کنند. آن‌ها همچنین بر این باورند که چون زنان در مورد مسائل عاطفی، خود افشاگری بیشتری دارند، احساس غربت خود را بیشتر بیان می‌کنند. گروه دوم بر این باورند که چون زنان بیشتر از مردان به پیوند جویی اجتماعی نیاز دارند، راحت‌تر می‌توانند شبکه اجتماعی جدیدی پیدا کنند و این امر از احساس غربت آن‌ها می‌کاهد. این تفاوت در یافته‌ها را می‌توان در نتیجه تفاوت در شیوه‌های تربیتی نیز تبیین کرد؛ شیوه‌هایی که بر اساس آن‌ها هویت جنسی زنانه با تسهیل ابراز احساسات و هویت جنسی مردانه با بازداری احساسات مطابقت می‌کند. به این ترتیب، آشکارسازی بیشتر احساس غربت در دانشجویان دختر بر حسب نقش هویت جنسی آن‌ها تبیین می‌شود و متقابلاً بازداری احساس غربت در دانشجویان پسر نیز به نقش هویت جنسی مردانه نسبت داده می‌شود. این یافته را همچنین می‌توان با توجه به عوامل فرهنگی تبیین کرد. در پژوهش‌هایی که در رابطه با احساس غربت در ایران صورت گرفته، همه گویای این بوده که دختران احساس غربت بیشتری را نسبت به پسران تجربه می‌کنند (بشارت و همکاران، ۱۳۸۵؛ یعقوبی و همکاران، ۱۳۸۷؛ قنبری و همکاران، ۱۳۸۵؛ دهقانی و همکاران، ۱۳۸۷). این یافته‌ها با توجه به فضای فرهنگی جامعه ایرانی قابل تبیین است. در فضای فرهنگی جامعه ایران، انتظارات متفاوتی از دختران و پسران مشاهده می‌شود. دختران با توجه به محدودیت‌هایی که جامعه برای آنان در نظر گرفته است و همچنین، به علت امکانات تفریحی محدودی که در اختیار دارند، مجبور می‌شوند بیشتر وقت خود را در خوابگاه به سر برند و به این

خوشایند را افزایش و علائم روان‌شناختی را کاهش می‌دهد (فرهادی و همکاران، ۱۳۸۸)، و از آنجایی که احساس غربت دانشجویان با سلامت عمومی آنان رابطه منفی دارد (یعقوبی و همکاران، ۱۳۸۷)، می‌توان به این نتیجه رسید که امید ممکن است سازگاری روان‌شناختی در دانشجویان را افزایش داده و باعث شود که دانشجویان با دید مثبتی به خود، زندگی و آینده بنگرند و افسردگی را که یکی از علائم مهم احساس غربت است، کاهش دهد.

بزرگسالانی که امیدوارترند، به دیگران به عنوان منابع حمایتی و پایگاه‌هایی که می‌توانند به آن‌ها تکیه نمایند می‌نگرند، با چالش‌هایی که ممکن است در زندگی‌شان با آن‌ها روبه‌رو شوند سازگار می‌شوند، شادی بالاتری تجربه می‌کنند و از زندگی‌شان رضایت بیشتری دارند (اشنایدر، ۲۰۰۰)، که این عوامل ممکن است در کاهش تجربه احساس غربت افراد مؤثر باشند.

نتیجه دیگر پژوهش حاضر این بود که اثر جنسیت بر روی میزان احساس غربت با کنترل امیدواری و سبک‌های دلبستگی معنادار بود؛ به طوری که دختران نسبت به پسران احساس غربت بیشتری را تجربه می‌کردند. این یافته با نتایج تحقیقات آرچر و همکاران (۱۹۹۸)؛ استروب و همکاران (۲۰۰۲) و بروین و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) همسوست. با وجود این، یافته با نتایج داونز<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) و کازانتزیس و فلت<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) همسو نیست. گروه اول استدلال می‌کنند که چون افسردگی یکی از مؤلفه‌های احساس غربت است و در زنان بیشتر از مردان است، بنابراین، زنان

<sup>1</sup> Brewin et al

<sup>2</sup> Downs

<sup>3</sup> Kazantzis & Flett

نتایج را به دانشجویان دیگری که در دانشگاه‌های بزرگ کشور پذیرفته می‌شوند، تعمیم داد.

### سپاسگزاری

از همه دانشجویانی که صادقانه در تحقیق حاضر شرکت کردند، و همچنین، از خانم مهدیس دشتی، آقایان سعید بهرامی و سوران دل‌انگیز به خاطر یاری‌شان در اجرای این پژوهش، صمیمانه تشکر می‌کنیم.

### منابع

احمدی طهورسلطانی، م، کرمی‌نیا، ر، احدی، ح، و مرادی، ع. (۱۳۸۹). اعتباریابی مقیاس امیدواری حوزه‌های خاص در دانشجویان ایرانی. *مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان*، شماره ششم، صص ۲۵-۳۴.

بالبی، ج. (۱۳۵۹). *روان‌شناسی کودک*، تهران: عارف، چاپ اول.

بشارت، م. ع، فرهادی، م، و گیلانی، ب. (۱۳۸۵). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و احساس غربت. *روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، سال اول، شماره ۲ و ۳، صص ۵۶-۳۳.

خوانین‌زاده، م. (۱۳۸۳). *مقایسه سبک دلبستگی دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و برونی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

دهقانی، م، خداپناهی، م. ک، و گنجوی، آ. (۱۳۸۷). نقش ابعاد شخصیتی، دلبستگی، شاخص‌های خلقی، و عوامل جمعیت‌شناختی فاصله جغرافیایی و جنس دانشجویان در پیش‌بینی

ترتیب، احساس غربت بیشتری را تجربه می‌کنند. از سوی دیگر، در فرهنگ ایرانی وابستگی و ابراز احساسات برای مردها امری پسندیده قلمداد نمی‌شود؛ ولی وابستگی در دختران امری عادی تلقی می‌شود و توسط خانواده و اطرافیان تقویت می‌شود.

به‌طور کلی، نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد که متغیر پیش‌بین سبک دلبستگی ایمن توانست بیشترین سهم در تبیین واریانس نمرات احساس غربت را به خود اختصاص دهد.

پس از آن، امیدواری و جنسیت دو عامل دیگری بودند که در تبیین واریانس احساسات غربت سهم نسبتاً کم، اما معناداری را به خود اختصاص دادند. با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که سبک دلبستگی فرد عامل مهمی در رویارویی مؤثر فرد با فشارهای ورود به محیط‌های جدیدی مانند دانشگاه است. بنابراین، یکی از اهداف عمده نظام تعلیم و تربیت کشور باید به سمت گام برداشتن در جهت آموزش والدین برای رشد سبک دلبستگی ایمن در فرزندان‌شان باشد. از سوی دیگر، با توجه به این که دانشجویان دختر احساس غربت بیشتری را نسبت به پسران تجربه می‌کنند، می‌توان تدابیری چون: برگزاری کارگاه‌های آموزش مهارت‌های مقابله، ایجاد فضای خوابگاهی آرام و شاد و برنامه‌های تفریحی برای آنان اندیشید. با وجود این، در تعمیم یافته‌های تحقیق حاضر باید با احتیاط عمل کنیم؛ زیرا در نمونه مورد بررسی در تحقیق حاضر از دانشگاه بوعلی همدان انتخاب شده است که پذیرفته‌شدگان در این دانشگاه شرایط اقلیمی و فرهنگی خاصی دارند که احتمال دارد نتوان این

- confiding among students. *British Journal of Psychology*, 80, 467-477.
- Brown, L., & Holloway, I. (2008). The adjustment journey of international postgraduate students at an English university an ethnographic study. *Journal of Research in International Education*, 7, (2), 232-249.
- Ciarrochi, J., Heaven, P. C.L., & Davies, F. (2007). The impact of hope, self-esteem, and attributional style on adolescents' school grades and emotional well-being: A longitudinal study. *Journal of Research in Personality*, 41, 1161-1178.
- Colin, V. L. (1996). *Human attachment*. New York: McGraw-Hill.
- Downs, J. (2002, August). *Adapting to secondary and boarding school: Self-concept, place identity and homesickness*. Self-concept research: driving international research agendas: collected papers of the second biennial self-concept enhancement and learning facilitation (SELF) research centre international conference, Sydney, Australia.
- Geiger, K. A., & Kwon, P. (2010). Rumination and depressive symptoms: Evidence for the moderating role of hope. *Personality and Individual Differences*, 49, 391-395.
- HaddadiKoohsar, A. A., & GhobaryBonab, B. (2011). Relation among quality of attachment, anxiety and depression in college students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 212 - 215.
- Hazen, C., & Shaver, P. R. (1998). Family chosen and age as determinants of homesickness in university students. *Social Behavior and Personality*, 26, 195-202.
- Hiester, M., Nordstrom, A., & Swenson, L. M. (2009). Stability and change in parental attachment and adjustment outcomes during the first semester transition to college life. *Journal of College Student Development*, 50 (5), 521-538.
- Hofstra, J., Oudenhoven, J. P. V., & Buunk, B. P. (2005). Attachment styles and majority members' attitudes towards adaptation strategies of immigrants. *International Journal of Intercultural Relations*, 29, 601-619.
- احساس غربت. پژوهش در سلامت روانشناختی، دوره دوم، شماره ۳، صص ۴۵-۳۵.
- فرهادی، م. (۱۳۸۳). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و احساس غربت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- فرهادی، م، احمدی طهورسلطانی، م، رضائی، و، و قره‌خانی، ا. (۱۳۸۸). سلامت روان سالمندان: نقش بهزیستی معنوی و امیدواری. فصلنامه علمی - پژوهشی در سلامت روان‌شناختی، دوره سوم، شماره ۲، صص ۵۰-۴۳.
- قنبری، ن، آزادفلاح، پ، رسول‌زاده طباطبایی، ک، و فرهادی، م. (۱۳۸۵). رابطه هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی با احساس غربت. تازه‌های علوم عصب‌شناختی، دوره هشتم، شماره ۱، صص ۳۰-۲۳.
- یعقوبی، ا، فرهادی، م، قنبری، ن، و کاکابرایی، ک. (۱۳۸۷). بررسی رابطه هوش هیجانی با احساس غربت و سلامت عمومی دانشجویان. فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۵۳-۱۳۷.
- Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. (1978). *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Archer, J., Irland, J., Amus, S. L., Broad, H., & Currid, L. (1998). Duration of homesickness scale. *British Journal of Psychology*, 89, 205-221.
- Benn, L., Harvey, J. E., Gilbert, P., & Irons, C. (2005). Social rank, interpersonal trust and recall of parental rearing in relation to homesickness. *Personality and Individual Differences*, 38, 1813-1822.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Attachment*. (Vol 1). London: Hogroth.
- Brewin, C. R., Furnham, A., & Howes, M. (1989). Demographic and psychological determinants of homesickness and

- Snyder, C. R. (2000). *Handbook of hope: Theory, measures, and applications*. San Diego: Academic Press.
- Snyder, C. R. (2002). Hope theory: Rainbows in the mind. *Psychological Inquiry*, 13, (4), 249-275.
- Snyder, C. R., & Lopez, S. (2002). *Handbook of positive psychology*. New York: Oxford University Press.
- Snyder, C. R., Feldman, D. B., Shorey, H.S., & Rand, K. L. (2002). Hopeful choices: A school counselor's guide to hope theory. *Professional School Counseling*, 5, (5), 10-298.
- Snyder, C. R., Lopez, S. J., Shorey, H. S., Rand, K. L., & Feldman, D. B. (2003). Hope theory, measurements, and applications to school psychology. *School Psychology Quarterly*, 18, (2), 122-139.
- Soltani Shal, R., Aghamohammadiansharbaf, H., Abdekhodae, M. S., Kafi Masoleh, M., & Salehi, I. (2011). Survey the relationship between attachment style and general self efficacy with homesickness among college students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 538 – 541.
- Stroebe, M., Van Vliet, T., Hewstone, M., & Willis, H. (2002). Homesickness among students in two cultures: Antecedents and consequences. *British Journal of Psychology*, 93, 147-168.
- Sympson, S. (1999). *Validation of the domain specific hope scale: Exploring hope in life domains*. Unpublished Doctoral Dissertation. University of Kansas: Lawrence. 164 pages
- Thurber, C. A., & Walton, E. A. (2007). Preventing and treating homesickness. *American Academy of Pediatrics*, 119, (1), 192-201.
- Thurber, C. A., & Walton, E. A. (2012). Homesickness and adjustment in university students. *Journal of American College Health*, 60, (5), 415-419.
- Tognoli, J. (2003). Homesickness, place attachment, and transition among residential college students. *Journal of College Student Psychotherapy*, 18, (1), 35-48.
- Urani, M. A., Miller, S. A., Johnson, J. E., & Petzel, T. P. (2003). Homesickness in socially anxious first year college students. *College Student Journal*, 37, (3), 392.
- Jones, D., & Woosley, S. (2012). Homesickness impacts retention and academic performance. *EBI MAP-Works*. Retrieved from <http://www.webebi.com/attachment/69/homesickness.pdf>.
- Kazantzis, N., & Flett, R. (1998). Family cohesion and age as determinants of homesickness in university students. *Social Behavior and Personality*, 26, 195-202.
- Kwon, P. (2002). Hope, defense mechanisms, and adjustment: Implications for false hope and defensive hopelessness. *Journal of Personality*, 70 (2), 207-231.
- Muris, P., Meesters, C., Melick, M. V., & Zwambag, L. (2001). Self-reported attachment style, attachment quality, and symptoms of anxiety and depression in young adolescents. *Personality and Individual Differences*, 30, 809-818.
- Nijhof, K. S., & Engels, R. C. M. E. (2007). Parenting styles, coping strategies, and the expression of homesickness. *Journal of Adolescence*, 30, 709-720.
- Oudenhoven, J. P. V., & Hofstra, J. (2006). Personal reactions to 'strange' situations: Attachment styles and acculturation attitudes of immigrants and majority members. *International Journal of Intercultural Relations*, 30, 783-798.
- Polay, h. D. (2012). A study of homesickness and coping strategies among migrant workers and expatriates. *International Journal of Psychological Studies*, 4 (3), 62-72.
- Polek, E., Wöhrle, J., & Oudenhoven, v. J. P. (2010). The role of attachment styles, perceived discrimination, and cultural distance in adjustment of German and Eastern European immigrants in the Netherlands. *Cross-Cultural Research*, 44, (1), 60-88.
- Popadiuk, N. E. (2009). Unaccompanied Asian secondary students studying in Canada. *International Journal for the Advancement of Counselling*, 31, (4), 229-243.
- Rodgers, L. S., & Tennison, L. R. (2009). A preliminary assessment of adjustment disorder among first-year college students. *Archives of Psychiatric Nursing*, 23, (3), 220-230.

- Valle, M. F., Huebner, E. S., & Suldo, S. M. (2006). An analysis of hope as a psychological strength. *Journal of School Psychology, 44*, 393–406.
- Van Heck, G. L., Vingerhoets, A. J. J. M., Voolstra, A., Gruijters, I., Thijs, H., & Van Tilburg, M. A. L. (2007). Personality, temperament, and homesickness, 169-184. Retrieved from <http://arno.uvt.nl/show.cgi?fid=48637>.
- Van Tilburg, M. A. L., Vingerhoets, A. J. J. M., & Van Heck, G. L. (1999). Determinants of homesickness chronicity: coping and personality. *Personality and Individual Differences, 27*, 420\_428.
- Welch, R. D., & Houser, M. E. (2010). Extending the four-category model of adult attachment: An interpersonal model of friendship attachment. *Journal of Social and Personal Relationships, 27*, (3), 351-366.
- Wong, S. S., & Lim, T. (2009). Hope versus optimism in Singaporean adolescents: Contributions to depression and life satisfaction. *Personality and Individual Differences, 46*, 648–652.

Archive

## **Prediction of Newcomer Students' Homesickness based on Hopefulness and Attachment Styles**

**\* A. Valikhani**

Postgraduate of Clinical Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

**M. A. Goudarzi**

Professor of Clinical Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

**M. Farhadi**

Assistant Professor of Health Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

### **Abstract:**

Current study aimed to predict the degree of newcomer students' homesickness based on hopefulness and attachment styles. In order to conduct the study, 170 first-year students of Bu-Ali Sina University of Hamedan were selected using multi-stage cluster sampling. Then, the use was made of Adult Attachment Inventory, (Hazan and Shaver 1987), Simpson's Adult Domain-Specific Hope Scale (1999) and Archers' et al. Homesickness Questionnaire (1998). Data analysis was performed by hierarchical regression and analysis of covariance (ANCOVA). Results of hierarchical regression showed that secure attachment ( $p < .0001$ ) and hopefulness ( $p < .002$ ) significantly and negatively predicted homesickness feelings. Moreover, results of analysis of covariance showed that gender significantly affected on homesickness beyond the hopefulness and attachment styles variables; so that, compared to female students, males experience less homesickness feeling ( $p < .004$ ). It can be concluded that secure attachment, hopefulness and gender (male) effectively decrease newcomer students' degrees of homesickness.

**Keyword:** homesickness, attachment styles, hopefulness, university students.

---

\* valikhani@shirazu.ac.ir